



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۲۱

محمد مُحق

نشست انقره، آیا نجاتی در راه است؟

سیطره گروه تمامیت خواه و انحصار طلب طالبان بر افغانستان، همراه با سیاست ها و پالیسی های ضد حقوق شهروندی، زنده گی را بر مردم چنان تلخ کرده است که هر صدایی برای تغییر، از هر جای جهان و از سوی هر کسی که بالا شود، شمع امیدی را در دل شان برمی افروزد؛ حتا اگر از سوی سیاستمداران ناکام گذشته باشد.

از سوی دیگر، خاطراتی که مردم از برخی چهره های متهم به فساد و مال اندوزی دارند و استفاده های بی جایی که از نام قوم و مردم در کارنامه آنان ثبت است، سرخورده گی های عمیقی را به وجود آورده است که اعتماد از دست رفته را به آسانی بر نمی گردانند. مردم می پرسند: از کجا اطمینان یابیم که شما سناریوهای گذشته را کنار نهاده و به آمدن نظامی مردم سالار باور پیدا کرده اید؟ از کجا اطمینان یابیم که شما در پی بازنگری و اصلاح کارنامه گذشته خود و گشایش صفحه ای معطوف به منافع مردم هستید؟ اگر شکست های پی هم در س عبرتی شده و شما را به تغییر و اصلاح خود واداشته است، نشانه های این تغییر چیست و شواهد آن کدام است؟

مردم البته می دانند که هم طالبان، هم مجاهدین، هم بقایای احزاب چپ و هم گروه های قومی، که همه در خلق وضعیت کنونی سهم داشته اند، بخشی از واقعیت متناقض افغانستان هستند، و نیز می دانند که حذف یک بخش و یکه تازی بخشی دیگر راه حل نیست، بلکه دگرپذیری، مدارا، همکاری و همراهی گروه های مختلف یگانه راه حل است. اما مردم دریافته اند که نزاع فاجعه بار بر سر قدرت، ریشه ای ترین مشکل این مرز و بوم در صد سال گذشته بوده است؛ زیرا بالاترین آرمانی که گروه های سیاسی برای خود تعریف کرده بودند، فتح ارگ کابل به مثابه مرکز ثقل قدرت بوده و اکنون زمان آن فرارسیده است که این معادله خون بار و سراپا غلط به یکباره کنار گذاشته شود.

منازعه بر سر قدرت، باید جایش را به مشارکتی دموکراتیک در قدرت بدهد. راهش این است که صلاحیت ها از ارگ گرفته شده و در روستاها، شهرها، ولایت ها و زون ها پخش شود. ارگی نمادین و فاقد قدرت، چنان که در کشورهای دموکراتیک است، برای کسی وسوسه انگیز نخواهد بود. مشارکت مردم در قدرت به معنای سهامداری حلقه های مافیایی نیست، بلکه ارتقای رأی مردم به تکیه گاه اصلی اقتدار، پایه اساسی مشروعیت و تعیین کننده واقعی سرنوشت است. برای این کار، تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی کافی نیست، بلکه انتخابی بودن مسوولان و پاسخگو بودنشان در همه سطوح لازم است. مبنای انتخاب نه عریبه های قوم گرایانه و نه شعارهای ایدئولوژیک، بلکه باید برنامه های معطوف به بهبود زنده گی مردم باشد. از این راه است که می توان افسون دیوانه کننده قدرت در افغانستان را شکست تا دیگر کسی بر سر آن خون نریزد و تباهی نیافریند.

اکنون که افغانستان در یکی از بن بست های تاریخی اش گیر مانده است و حاکمان طالب ظرفیت و توان ایجاد نظام مشروع را ندارند، وقتی مناسب برای نهادن پایه نظام نوینی است که ختم بحران ها و سرآغاز آرامش و ثبات باشد. برای این خواسته مشروع اما اگر طالبان به خواست مردم تن در ندهند، جز توسل به همه ابزارهای فشار، به شمول مقاومت مسلحانه، راهی نمی ماند، بلکه این کار، به مثابه ایستاده گی در برابر ستم و سرکوب، تبدیل به وجیبه ای ملی و فریضه ای دینی می گردد.

د پائو شمیره: له 1 تر1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولئ